

شرق روزنامه

نگاه

عربستان ناگزیر از تغییرات

هروقت کسی از تغییرات در عربستان سعودی می‌پرسد، فوراً این پاسخ را می‌گیرد که این تغییرات بالاخره یک روز اتفاق خواهد افتاد، اما این نوع جواب‌دادن معنایش این است‌ که تغییرات زمانی طولانی خواهد برد و شاید حتی هرگز اتفاق نیفتند.
باین‌حال خبرهایی هست که نشان می‌دهد در چند ماه آینده به‌ناگزیر باید تغییری در عربستان رخ دهد. یک خانم بازرگان سعودی در پایتخت، یعنی ریاض می‌گوید، دوستی دارم که شرط بسته و گفته است ممنوعیت رانندگی زنان در شش‌ماهه اول امسال برطرف خواهد شد.
اما این خانم به او گفته است: «این اتفاق در نیمه دوم سال جاری اتفاق خواهد افتاد. حتی من معتقدم اول سال آینده اتفاق خواهد افتاد و فقط زنانی هم این حق را خواهند داشت که بالای ۴۰ سال داشته باشند».
این موضوعی است که می‌شود در پایتخت سعودی از خیلی‌های دیگر هم شنید که درباره‌اش بحث می‌کنند. حتی بعضی از آنها می‌گویند بزودی به دختران جوان هم اجازه رانندگی داده خواهد شد.
باین‌حال روند تغییرات در همه زمینه‌ها کند و محتاطانه است و در فضایی حرکت می‌کند که مقامات فرقه‌ای افراطی نسبت به آن ملاحظات زیادی دارند.
هم‌اکنون حکام سعودی باید گام‌هایی شتاب‌زده و سریع بردارند تا تغییراتی ریشه‌ای را در این کشور که بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت به‌شمار می‌رود ایجاد کنند. زیرا ۹۰ درصد از درآمد عربستان سعودی بر نفت و گاز اتکا دارد و فروپاشی بهای جهانی نفت، این طلای سیاه، درآمد‌های عربستان را به نصف سال گذشته کاهش داد؛ مسئله‌ای که ضرورت اتخاذ سیاست‌هایی برای تغییرات در زمینه‌های مختلف را دشوار می‌کند.
جان سفایکینکس از مرکز تحقیقات الخلیج می‌گوید: «برای چند دهه این تنها محرک بود، اما الان کشور نیاز به محرک‌های دیگری دارد».
سال گذشته این کشور در میان بحث و جدل‌های فراوان برنامه جدیدی را تحت عنوان «چشم‌انداز ۲۰۳۰» تهیه کرد. این برنامه‌ای بلندپروازانه از سوی محمد بن سلمان، جانشین ولیعهد، است که ۳۱ سال دارد و با کمک مشاوران عالی‌رتبه خارجی که مردهای کلانی می‌گیرند تهیه شده است.
جانشین ولیعهد و اطرافیانش می‌دانند که روزی چه‌اهای نفت به پایان خواهد رسید. خالد الفتح، وزیر نفت عربستان، می‌گوید: «بسیار ضرورت دارد که برنامه چشم‌انداز ۲۰۳۰ اجراشده و اهدافش تحقق پیدا کند».
خالد المعینا که یک روزنامه‌نگار و نویسنده سعودی است، می‌گوید محاسبات جدیدی شروع شده است. به گفته او: «همه با دقت و وسواس در این راه حرکت خواهند کرد. از جمله وزرای پورکرکات ...».
این مقامات باید خود الکویی برای دیگران باشند».
یک مدیر سعودی که بر مجموعه‌ای از شرکت‌ها نظارت دارد تاکید می‌کند: «ما الان هیچ‌سک را استخدام نمی‌کنیم. تا مطمئن بشویم که قدرت تولیدمان چقدر است و چه بهایی باید داشته باشد چیزی به دولت نمی‌فروشیم».
یک مأمور آمار سعودی که نمی‌خواهد نامش فاش شود، دراین‌باره می‌گوید: «ریاض به احتمال زیاد قادر به تحقق اهدافش در سال ۲۰۲۰ نخواهد بود، اما به‌رحال یک چشم‌انداز است. هرچند این‌بار برنامه مضمونی عملی دارد، اما باید دید چگونه تحقق پیدا می‌کند».
او ضمناً اشاره به برنامه‌های سابق دارد که هرگز اجرا نشد می‌گوید: «آیا مدیریت لازم برای تحقق این برنامه هست؟ کسی در سطح رهبری وجود دارد که بخواهد شیوه زندگی‌اش را تغییر دهد؟»
جانشین ولیعهد که بر این برنامه نظارت دارد، یکی از پسران سلمان، پادشاه فعلی عربستان، است که ۸۱ سال دارد. او احساس می‌کند برای ایجاد تغییرات فشارهای زیادی وارد می‌شود. بسیاری از جوانان سعودی تقریباً همین محمد بن سلمان یا حتی کوچک‌تر از او هستند. بسیاری از این جوانان دختران و پسراننی هستند که در دانشگاه‌های خارج تحصیل کرده‌اند. اینها افرادی هستند که با کمک‌های سخاوتمندانه ملک عبدالله به خارج رفتند و برای کشورشان تحصیل کنند. حال آنها برگشته‌اند و دنبال کار می‌گردند. آنها همچنین به‌دنبال راه‌هایی هستند تا تعطیلات هفتگی‌شان را در سالن‌های سینما یا تئاتر بگذرانند، اما روحانیون سعودی می‌گویند یک زن حق ندارد برای مردی بنشیند، مگر اینکه که «محرم» در بینشان باشد.
باین‌حال در یک سال گذشته تغییرات چشمگیری در عربستان دیده شده که هرچند کوچک، اما مهم است؛ برای مثال دیگر پلیس دینی با همان نیروهای معروف به «داوطلبان» در خیابان‌ها دیده نمی‌شوند. این گام درجهت همسویی با ولیعهد است.
ساکنان تروتمند شهر ریاض از افتتاح رستوران‌های جدید خرسند هستند؛ رستوران‌هایی که قدیم‌های گذشته را ندارند و حتی شوش جایی را در آنها زورزود و در آنها با صدایی بلند موسیقی پخش می‌شود.
ولید السعیدان، شهروند سعودی، می‌گوید: «دوست دارم یک روز ببینم زنان رانندگی می‌کنند و به سینما می‌روند»، مسابقات «تیه‌های شستی» در صحرا یکی دیگر از فعالیت‌هایی است که زنان در آن حضور ندارند. یک هیئت عمومی برای رفاه، برنامه‌های تفریحی کشور را دنبال می‌کند. تمام اعضای این هیئت سعی می‌کنند رفاه را وارد زندگی سعودی‌ها کنند، حتی اگر این رفاه در حدودمرزهای مشخصی باشد.
احمد الخطیب، رئیس این هیئت، می‌گوید: «مأموریت من این است که مردم را خوشبخت کنم. ما برای آت‌هایی که باز فکر می‌کنند تقریبات متعدد و برای آت‌هایی که بسته فکر می‌کنند سرگرمی‌های دیگری ارائه می‌دهیم».
به گفته او: «سعودی‌ها ۷۰ میلیارد رyal صرف تعطیلاتشان در خارج از کشور می‌کنند». او با اندوه می‌گوید، شرکت‌های گردشگری سعودی تلاش نمی‌کنند به‌جای رفتن به دوبی یا لندن وقت و سرمایه‌هایشان را در داخل کشور صرف کنند.

پرداخت یارانه دولتی

عربستان کشوری است که مردم با قیمت‌های حداقلی در آن زندگی می‌کنند و عوارض نمی‌دهند. کم‌اینکه آنها در برابر خدماتی مثل آب و برق، پولی پرداخت نمی‌کنند. اما اکنون طرح‌هایی وجود دارد که بر کالاها عوارض بسته شود. به‌زودی اجرای طرحی به نام «حساب شهروندان» کمک خواهد کرد تا از هزینه‌های زندگی مردم به‌خصوص خانواده‌های فقیر کاسته و ماهانه به آنها یارانه‌ای داده شود.
نادیه الهزاع که یک مهندس در بخش نفت و گاز است، می‌گوید: «برای مدتی طولانی سعودی‌ها از امتیازات زیادی برخوردار بودند. او بعد به مطلبی اشاره می‌کند که «جان‌گانه» رئیس جمهور آمریکا، گفته بود: «پنرس لایشت‌شور به تو چه داده، بلکه پیرس تو به کشور چه خواهی داد». به گفته او، الان از سعودی‌ها خواسته می‌شود تا با سرعت بیشتری حرکت کنند. حسن یاسین که یک تحلیلگر سیاسی است، می‌گوید: «ما شیه لاپشت‌هایی هستیم که روی چرخ در حرکتند... برای همین سریع‌تر حرکت می‌کنیم تا بتوانیم به نیازهای داخلی و ضرورت‌های قرن بیست‌ویکم پاسخ بدهیم».
منبع: بی‌بی‌سی

شرق روزنامه

یادداشت

نظمی که فرو ریخت

«روبرت کاگان»، پژوهشگر ارشد مؤسسه بروکینگز درباره دونالد ترامپ و تأثیر ریاست‌جمهوری او بر عرصه داخلی آمریکا و مسائل بین‌المللی به «سی‌ان‌ان» گفت: تاریخ نشان خواهد داد که نظم جهانی فرو ریخته است و ترامپ در بروز جنگ جهانی سوم نقش دارد.
کاگان افزود: ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ بر احزاب پوپولیستی در اروپا تأثیر گذاشته و وی به دنبال کسب اعتبار برای موقعیت خود است. پژوهشگر مؤسسه بروکینگز اضافه کرد: ترامپ خواستار تقویت احزاب و گروه‌های ضد‌مهاجرتی و ناسیونالیست در اروپاست تا موجب تقویت موقعیت او در آمریکا شود.
کاگان درباره خطر ابراز وجود گروه‌ها و احزاب پوپولیستی در اروپا گفت: این‌خطر پیش از ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ وجود داشت، اما برگزیت و پیروزی ترامپ موجب تشدید فعالیت این جنبش‌ها در اروپا شد.

او درباره تصمیم‌گیری‌های سیاسی ترامپ گفت: ترامپ تلاش خواهد کرد موضع محتاطی در همه زمینه‌ها در پیش گیرد، اما اینکه درنهایت به کدام‌سوم خواهد رفت، مشخص نیست. سخنان و تصمیم‌گیری‌های ترامپ حتما بر سیاست خارجی آمریکا و منافع این کشور که در ۶۰ سال گذشته به آن پرداخته شده است، تأثیر خواهد گذاشت.

کاگان در ادامه گفت‌وگو با این رسانه آمریکایی گفت: ترامپ ممکن است در حرکت به‌سوی جنگ جهانی تأثیرگذار باشد یا موجب تسریع این خطر شود.

او افزود: بحث اساسی در این زمینه این است که دو قدرت



«تجدیدنظرطلب» چین و روسیه از وضعیت بین‌المللی ناراضی هستند. این دو معتقدند که باید از قدرت و موقعیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشند و مناطقی که در حیطه آنها قرار دارد را تحت کنترل خود داشته باشند.

پژوهشگر بروکینگز گفت: چین خواهان (تسلط بر) شرق آسیا و روسیه خواهان تسلط بر شرق و مرکز اروپاست. آنها آمریکا و غرب را مانع عمده‌ای در این‌زمینه می‌بینند. از سوی دیگر غرب نیز اعتمادیه‌نفس خود را از دست داده و نمی‌خواهد نقش کنونی در عرصه بین‌الملل را ایفا کند. آمریکا هم دچار همین شرایط است. کاگان تاکید کرد: دو مسیر جهت‌دار در صحنه بین‌المللی وجود دارد و از لحاظ تاریخی، زمانی که این دو خط با یکدیگر تقابل پیدا کنند، آنگاه بحران به وجود خواهد آمد و نظم جهانی از بین خواهد رفت و این چیزی است که من نگران آن هستم. شاید در یک سال آینده این اتفاق نیفتد، اما معلوم نیست در پنج یا ۱۰ سال آینده به این‌سو برویم. بسیار دشوار است که بتوان آن را پیش‌بینی کرد. این کارشناس در پایان گفت: آمریکایی‌ها نباید آنچه را که خود ساخته‌اند، نابود کنند.



عکس: Reuters

بررسی پنجاه‌وسومین کنفرانس امنیتی مونیخ در گفت‌وگو با احمد بخشایشی اردستانی:

کاریکاتور امنیت در هتل «بایریشر هوف»

عبدالرحمن فتح‌الهی

نفر از سران کشورها، وزیر خارجه و دفاع بیش از ۸۰ کشور جهان، دبیر کل سازمان ملل، مدیر کل آژانس بین‌الملل انرژی اتمی، رؤسای پارلمان و شورای اروپا، دبیر کل ناتو، نماینده‌های سازمان همکاری اسلامی، سازمان شانگهای، اینترپل، اتحادیه عرب و... شکل گرفت؛ اما ویژگی بارز این کنفرانس و رنگ غالب آن، تردید، نگرانی و ترس از اندیشه‌های دولت ایالات متحده و ترامپ در شرایط کنونی و آتی اتحادیه اروپا و به‌ویژه ناتو بود. شما این رنگ ترس و نگرانی پنجاه‌وسومین کنفرانس مونیخ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
بله، رنگ نگرانی و ترس اروپا و ناتو در این دوره از کنفرانس به قول شما رنگ غالبی بود. اما ببینید ناتو در مقابل ورشو شکل گرفت با نابودی ورشو دیگر نیازی هم به ناتو نبود اما آمریکا و اروپا برای ادامه اعمال قدرت خود در شورای امنیت، آن را تاکنون حفظ کرده‌اند. اما با ورود ترامپ مسئله عوض شد؛ چراکه او، نه یک سیاست‌مدار، بلکه یک تاجر است و چیزی از سیاست نمی‌داند. بنابراین با جنجال آفرینی و غوغاسالاری شروع به انتقاد از ناتو کرد و درادامه هم ناتو را به خروج آمریکا از آن تهدید کرد. با این کار، نه یک هدف سیاسی، بلکه یک هدف اقتصادی داشت و آن هم این بود که کشورهای عضو سهم بیشتری در قبال عضویت ناتو بپردازند.

در راستای سایه سنگین دولت جدید آمریکا و ترامپ، سخنران افتتاحیه، ولفگانگ ایشینگنر، در سخنان کنفرانس امسال گفت این کنفرانس در حداکثر ابهام به سر می‌برد، چراکه ترامپ به جای کاستن از ابهامات، به بازار تردیدها و پرسش‌ها رونق داده؛ درهمین راستا وزیر دفاع آلمان به‌عنوان اولین مقام سخنران، در بیاناتی به افزایش سهم عضویت آلمان در ناتو اشاره کرد ولی از آن‌طرف هم با سیاست‌های مداخله‌جویانه آمریکا در اتحادیه اروپا مخالفت کرد. بعد از آن هم جیمز متیس، وزیر دفاع آمریکا، هم خواستار افزایش سهم کشورها در ناتو شد، اما سناتور جان مک‌کین جمهوری‌خواه که از منتقدان تند ترامپ هم است، در جملاتی خواستار همراهی کشورهای اتحادیه اروپا و آمریکا شد. ژنرال چهار ستاره جیمز استاوریس، فرمانده سابق نیروهای ناتو، در اروپا در سخنان خود خواستار وفق دادن و انعطاف همه کشورها با شرایط جدید یعنی دولت تازه سر کارآمده ترامپ بود، اما این جملات و اظهارنظرها اکثر کشورها را برای تمکین ترامپ و دولت جدید در قبال ناتو و اتحادیه اروپا قانع نکرد. شما اولاً دلیل آن را در چه می‌دانید؟ و ثانیاً برایند روز اول را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

با ورود ترامپ مسئله عوض شد؛ چراکه او، نه یک سیاست‌مدار، بلکه یک تاجر است و چیزی از سیاست نمی‌داند. بنابراین با جنجال آفرینی و غوغاسالاری شروع به انتقاد از ناتو کرد و درادامه هم ناتو را به خروج آمریکا از آن تهدید کرد. با این کار، نه یک هدف سیاسی، بلکه یک هدف اقتصادی داشت و آن هم این بود که کشورهای عضو سهم بیشتری در قبال عضویت ناتو بپردازند.



این مسئله به دلیل این است که با روی کارآمدن ترامپ توفان عظیمی شکل گرفت، چراکه او در شعارهایش بیشتر به‌دنبال ایجاد شغل و ثبات اقتصادی در داخل آمریکاست و برهمین‌اساس هم محور سخنانش روی موضوع مبحث ناسیونالیستی آمریکایی و دیگری عدالت بود و با جملاتی نظیر «امروز قدرت در دست ملت است»، خود را جزء ملت آمریکا معرفی کرد یا اینکه آمریکایی‌ها باید، آمریکایی بیوشند، باید آمریکایی بخورند و آمریکایی زندگی کنند. او امروز در سیاست‌هایش تمایل به انگلیسی دارد که از اتحادیه اروپا جدا شد یا مارین لوین در فرانسه. سفر ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا، نشانه بارز این تمایل ترامپ است، چراکه او به دنبال رابطه با فردرقد کشورهای اروپایی است، نه خود اتحادیه اروپا. این بدان معناست که ترامپ اعتقادی به فلسفه وجودی این اتحادیه ندارد و کسی نیست که خواستار ارتباط با آن باشد و این مسئله می‌تواند دو حالت

۱۷ فوریه، پنجاه‌وسومین کنفرانس امنیتی مونیخ در هتل «بایریشر هوف» آغاز به کار کرد؛ نشست سه‌روزه که در این سه روز به بررسی چالش‌های امنیتی و سیاسی جهان پرداخته شد؛ بدون شک امروز جهان با چالش‌های امنیتی و سیاسی بسیاری روبه‌روست. متأسفانه تنش‌ها و بحران‌های سیاسی و امنیتی کنونی در نظام بین‌الملل، لیست بسیار بلندبالایی است؛ تروریسم، موج روبه‌رشد و فزاینده مهاجرت، بحران‌های محیط‌زیستی، بیوتروریسم و... که نیاز به مشورت و گفت‌وگو درباره این چالش‌های امنیتی الزامی‌تر از پیش احساس می‌شود؛ اما خروجی همه‌ساله این کنفرانس که به «داووس امنیتی» مشهور است، خروجی چندان چشمگیری نبوده و شاید دلایل را می‌توان در این دانست که اساساً این کنفرانس در سپهر فلسفه وجودی‌اش، خوانشی برای حل چالش‌ها در خود ندیده است، چراکه هتل «بایریشر هوف» محفلی برای مشورت و رایزنی درباره چالش‌های امنیتی است و پس از برگزاری ۵۳دوره، فقط می‌توان لقب دوره‌می‌های سران کشورها، وزیران خارجه و وزیران دفاع کشورها را به آن داد و بیشتر به یک کاریکاتور امنیتی شبیه است تا نشستی جدی برای حل مشکلات، اما بررسی کنفرانس پنجاه‌وسوم و اتفاقات آن، اظهارنظرها، سخنرانی‌ها، مدعوین و افراد حاضر در نشست و... را در گفت‌وگویی با احمد بخشایشی اردستانی، دکترای علوم سیاسی دانشگاه نیو در ساوت‌ولز استرالیا و نماینده مجلس نهم و عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، پی خواهیم گرفت.

وضعیت کنونی امنیت در جهان امروز را چگونه می‌بینید؟ و با توجه به عملکرد این کنفرانس از زمان ادوارد-هاینریش فن کلایست-اشمتسین از ۱۹۶۲، تأثیر این کنفرانس را که نشان بارز آن این است که هیچ قراردادی در آن امضا نمی‌شود، هیچ التزام قانونی، هیچ تعهدی و هیچ ضمانت اجرایی برای کشورها، دولت‌ها و سازمان‌ها و نهادهای ندارد چه تأثیری بر امنیت در نظام بین‌الملل امروز می‌تواند داشته باشد؟
ببینید وازای به نام نظم بین‌الملل وجود دارد که بر نظام جهانی حاکم است و از ۱۸۱۵در کنگره وین نظریه توازن قوا از سوی کاسترگا در قالب concert European مطرح شد و در آن خواستار این بود که کشورهای اروپایی تحت لوای یک کنسرت واحد می‌توانند قدرت خود را در برابر سایر بازیگران و کشورهای جهانی حفظ کنند و به یگانه قدرت جهان تبدیل شوند که تا سال ۱۹۱۴ این نظم ناشی از این نظریه بر اروپا حاکم بود اما از سال ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ به فاصله چهار سال جنگ جهانی اول رخ داد، بنابراین برای جلوگیری از جنگ‌های بعدی، نظم تکرر قدرت بین‌الملل در قالب تأسیس جامعه ملل شکل گرفت اما این تکرر قدرت هم نتوانست امنیت جهانی را بیشتر از ۲۱ سال حفظ کند و به دلیل قراردادن حق وتو نتوانست مانع از وقوع جنگ جهانی دوم شود.

موازنه قوای دوقطبی را در این دوران از ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۲ که به نظم دوقطبی غیرمتعطف معروف است تجربه کردند و از ۱۹۶۲ تا ۱۹۹۱ و سقوط شوروی نظم دوقطبی متعطف شکل گرفت. بعد از پایان کار شوروی، ایالات متحده نظم یک‌جابه‌گرایی دستوری را در جهان پیاده کرد که تا سال ۲۰۰۱ به فاصله ۱۰ سال این نظم، نظم کلی جهانی بود.

اما بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر نظم یک‌جابه‌گرایی ارشادی شکل گرفت و به واسطه خشم ایالات متحده از این حادثه، خود را مرشد جهانی معرفی کرد که تاکنون هم این نظم امنیتی بر روابط بین‌الملل کامیاب حاکم است. در این نزدیک به ۷۰ سال از شکل‌گیری سازمان ملل مسئله مهم این سازمان حرکت به سوی جهانی‌شدن بود تا تعاریف خود را از همه مسائل مانند تروریسم، حقوق بشر و البته امنیت که موضوع گفت‌وگوی ماست، به تعریف یکدستی تبدیل کند. برهمین‌اساس با بازتعریف آنها سعی در واحدکردن این تعاریف داشت و یکی از سازمان‌هایی که می‌تواند به این مسئله کمک کند، همین کنفرانس مونیخ است که هر سال در چند روز به بررسی تحولات و چالش‌های امنیتی جهان می‌پردازد. اما باید گفت این امنیت در دو بستر مطرح می‌شود؛ اول سخت‌افزاری که ناظر بر گذشته و مقولات لجستیکی و نظامی است و دوم، نرم‌افزاری که ناظر بر آینده و ابعاد پیچیده‌تر امنیت است. حال باید پرسید چرا این مسئله شکل گرفته؟ به این دلیل که اروپا زمانی خود را قدرت اول جهان می‌دانست ولی اکنون ایالات متحده این جایگاه را از آنان گرفته و برای هم‌نوایی با واشنگتن، ذیل شکل‌گیری اتحادیه اروپا به این اقدامات دست می‌زند؛ اما درباره مسئله دوم هم، من مثل شما معتقدم این کنفرانس اثر چندانی بر امنیت جهانی ندارد اما از آن‌طرف هم معتقدم می‌تواند با شناخت بسترهای مناسب، به رفع چالش‌های امنیتی کمک کند.

آ به خود کنفرانس می‌رسیم. این کنفرانس در سه روز و با حضور ۳۰